

Semantic Changes of European Non – Professional Loan Words in New Persian Language in The Last Century

Zahra Tourani¹

The object of this survey is to explore semantic changes of European non - professional loan words in new Persian language in the last century. Loan words meanings in the borrower language are usually different from the original meanings in the lender one. In this way, semantic changes happen. The author believes that surveying semantic changes of loan words can be instrumental in historical linguistics, sociolinguistics, psycholinguistics and in translating text from foreign languages. Moreover, the study of loan words semantic changes can be culturally informative. In this study, four hundred and three words are selected among three thousands European loan words in which semantic change occurred after entering Persian language. These semantic changes have been investigated. Then, statistical analysis of various semantic changes are presented.

Key words: *semantic changes, loan word, borrowing, non-professional words*

¹ - M.A. Graduate in Linguistics, Islamic Azad University, Tehran Central Branch mn_turani@yahoo.com

تغییرات معنایی وام واژه‌های غیرتخصصی اروپایی در زبان فارسی نو در صد سال اخیر

زهرا طورانی^۱

چکیده

آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته، بررسی تغییرات معنایی وام واژه‌های غیرتخصصی اروپایی در زبان فارسی نو در صد سال اخیر است. در برخی موارد مشاهده می‌شود که معنای وام واژه‌ها در زبان قرض‌گیرنده با معنی اصلی خود واژه در زبان دهنده یکسان نیست و واژه دچار تغییرات معنایی شده است. نگارنده بر این اعتقاد است که بررسی مسئله تغییرات معنایی وام واژه‌ها می‌تواند در حوزه‌های زبان‌شناسی تاریخی، جامعه‌شناسی زبان، روانشناسی زبان و همچنین در زمینه ترجمه متون از زبان‌های خارجی حائز اهمیت باشد. همچنین بررسی تغییرات معنایی وام واژه‌ها به لحاظ فرهنگی می‌تواند اطلاع‌رسان باشد. در این پژوهش از میان حدود سه هزار واژه قرضی اروپایی که از فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌ها استخراج شده‌اند، چهارصد و سه واژه قرضی که معنای آنها پس از ورود به زبان فارسی دچار تحول گردیده‌اند، برگزیده شده‌اند و تغییرات معنایی آنها بررسی و تحلیل شده است. سپس بسامد وقوع هر یک از انواع تغییرات معنایی ارائه شده است. همچنین چگونگی ورود وام واژه‌های غیرتخصصی اروپایی در فرآیندهای واژه‌سازی در زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: تغییرات معنایی، وام واژه، قرض‌گیری، واژه‌های غیرتخصصی

۱- مقدمه

قرض‌گیری در سطح واژگان معمول‌ترین نوع قرض‌گیری زبانی است که طی آن واژه‌ها و اصطلاحات یک زبان به واژگان زبان دیگر راه می‌یابد. احتمالاً یکی از دلایل این است که واژه‌ها می‌توانند به طور آزادانه از زبانی به زبان دیگر وارد شوند بدون آنکه اثر قابل ملاحظه‌ای بر روی دستور یا واژگان زبان قرض‌گیرنده داشته باشند. باید در نظر داشت که واژه‌ها معمولاً بطور تصادفی

^۱ - کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
mn_turani@yahoo.com

وارد زبان دیگر نمی‌شوند. نوع و ماهیت ارتباط غیرزبانی میان دو فرهنگ در ماهیت واژه‌های قرضی نقش عمده‌ای دارد. واژه‌های قرضی معمولاً به وسیله افراد دو زبانه که *عوامل قرض‌گیری* نامیده می‌شوند، به زبان قرض‌گیرنده معرفی می‌شوند و سپس در سطح جامعه زبانی رواج پیدا می‌کنند. این واژه‌ها در سطوح و درجات گوناگونی به زبان قرض‌گیرنده نفوذ می‌کنند. برخی از واژه‌ها نیازهای ارتباطی جدید افراد جامعه را برآورده می‌سازند و در نتیجه از نفوذ بیشتری برخوردارند. گروه دیگری از واژه‌ها تنها در میان اقشار معینی از افراد جامعه رواج دارند. بین این دو سطح نیز می‌توان درجات مختلفی را در نظر گرفت. میزان نسبی قرض‌گیری واژگانی در زبان‌های مختلف متفاوت است. زبان برخی جوامع در برخورد با جامعه‌های گوناگون به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و منجر به از دست رفتن زبان قرض‌گیرنده می‌شود. درمقابل این گروه، زبان‌هایی نیز وجود دارند که میزان واژه‌های قرضی در واژگان آنها بسیار پایین است و واژه‌های محدودی را از زبان‌های دیگر به قرض گرفته‌اند (مدرسی، ۱۳۶۸: ۶۷).

زبان فارسی از پدیده قرض‌گیری زبانی برکنار نبوده و واژگانی را از زبان‌های دیگر به عاریت گرفته است و در میان واژگان قرضی که از زبان‌های دیگر وارد زبان فارسی شده‌اند، واژه‌های اروپایی سهم قابل ملاحظه‌ای را به خود اختصاص داده است. با توجه به این مسئله که تمام وام واژه‌ها، به یک طریق وارد زبان وام‌گیرنده نمی‌شوند؛ یعنی بعضی تقریباً صورت و معنای اولیه خود را حفظ می‌کنند و بعضی به لحاظ آوایی، نحوی و معنایی تحول می‌یابند (شقایق، ۱۳۸۶). بررسی تغییرات صورت گرفته بر روی وام واژه‌ها در زبان فارسی ضروری به نظر می‌رسد. تاکنون مطالعات زیادی بر روی تغییرات آوایی و نحوی وام واژه‌های اروپایی صورت گرفته است، اما در زمینه تغییرات معنایی این وام واژه‌ها تحقیقی صورت نگرفته است. هدف از نگارش پژوهش حاضر بررسی بیشتر در این زمینه می‌باشد.

۲- پیشینه مطالعات

ساپیر^۱ (۱۹۳۹) واژگان قرضی و تماس بین اقوام و ملت‌ها را که عمده‌ترین علت قرض‌گیری است مورد بررسی قرار داده است. وی معتقد است وام‌گیری فرهنگی باعث وام‌گیری واژگانی نیز می‌شود. وی در کتاب خود در مورد مقاومت در برابر وام‌گیری و همچنین تعدیل آوایی وام واژه‌ها سخن به میان آورده است.

فالک^۲ (۱۹۷۸) در زمینه قرض‌گیری زبانی مطالعات زیادی انجام داده است. وی یکی از مهم‌ترین تغییرات واژگانی را قرض‌گیری واژگانی می‌داند. به نظر او نه تنها قرض‌گیری پدیده‌ای زبانی است،

^۱ - E. Sapir

^۲ - J. S. Falk

بلکه پدیده‌ای مربوط به تمام جنبه‌های فرهنگی می‌باشد و نیز مطالعه قرض‌گیری زبانی سه رشته زبانشناسی، تاریخ و جامعه‌شناسی را به هم مرتبط می‌سازد. همچنین او شرایط قرض‌گیری واژگانی مانند ایجاد ارتباط و نیز عوامل غیرزبانی و خارجی را در این فرایند مهم زبانی مورد بررسی قرار می‌دهد. وی معتقد است که قرض‌گیری عناصر واژگانی یک الزام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است، نه زبانی.

کریستال^۱ (۱۹۸۷) به مساله قرض‌گیری زبانی پرداخته است. او دو عامل بسیار بارز در تغییر معنای واژگان را ورود واژگان جدید و از بین رفتن واژگان قدیمی می‌داند. وی معتقد است در بسیاری از زبان‌ها تعداد زیادی از لغات جدید، در واقع از طریق قرض‌گیری از زبان‌های دیگر ایجاد می‌گردند. او می‌افزاید قرض‌گیری دو سویه عمل می‌کند. یعنی هر زبانی هم واژگان را قرض می‌دهد و هم قرض می‌گیرد. وی معتقد است در برخی از زبان‌ها قرض‌گیری آن چنان فراوان است که واژگان بومی در اقلیت هستند.

هاگن^۲ (۱۹۵۰) بررسی‌های قابل توجهی در زمینه قرض‌گیری زبانی بعمل آورده است. او در مقاله خود قرض‌گیری زبانی را به دو نوع قرض‌گیری ضروری و غیرضروری تقسیم می‌کند. وی همچنین قرض‌گیری واژگانی را به سه دسته طبقه‌بندی می‌نماید: دسته اول وام واژه‌های الگویی هستند، که در آنها صورت واژه، علاوه بر معنای آن وارد زبان قرض‌گیرنده می‌شود. دسته دوم وام واژه‌های دورگه یا آمیزشی است که در آن بخشی از واژه از عناصر بومی زبان قرض‌گیرنده است و بخشی دیگر از طریق قرض‌گیری وارد شده است و دسته سوم تغییر قرضی است که در آن، اثر زبان قرض‌دهنده، معنایی است و صورت واژه وارد زبان قرض‌گیرنده نمی‌شود.

طباطبائی (۱۳۷۶) مسئله قرض‌گیری زبانی را مورد بررسی قرار داده است. وی معتقد است اگر قرض‌گیری زبانی در ابعاد گسترده صورت پذیرد، از دو سو به زبان لطمه وارد می‌آورد. یکی اینکه بار حافظه گویشوران را سنگین می‌کند؛ و دیگر اینکه بسیاری از فرآیندهای واژه‌سازی را بلااستفاده می‌سازد و دستگاه ساختواژی را از پویایی و زاینده‌گی محروم می‌کند. دستگاه ساختواژی هر چه کمتر به کار گرفته شود، توانش کاستی می‌گیرد و این امر قرض‌گیری بیشتر را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. این دور تسلسل همچنان ادامه می‌یابد تا آنکه این دستگاه در زمینه واژه‌سازی (و نه تصریف) بخش مهمی از کارایی خود را از دست می‌دهد و ارتباط در سطوح علمی از طریق زبان فارسی بسیار دشوار می‌شود.

عزیز محمدی (۱۳۸۵) به مسئله قرض‌گیری زبانی پرداخته است. وی از عوامل زیر به عنوان دلایل عمده قرض‌گیری یاد می‌کند:

1_ D. Crystal

2_ E. Haugen

۱- ورود پدیده‌های علمی، صنعتی و فرهنگی ۲- روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ۳- ورود افراد تحصیل کرده از خارج ۴- عامل جغرافیایی (هم مرز بودن). ۵- حق تفوق و برتری ۶- تابوهای اجتماعی ۷- برخوردهای نظامی ۸- رسانه‌های گروهی. اما وی علت اصلی ورود واژه‌های بیگانه را که یکی از عوامل مهم تحول زبان است، پیشرفت تکنولوژی در جهان می‌داند. عزیز محمدی به تاثیرات احتمالی ورود الفاظ و ساخت‌های بیگانه اشاره می‌کند که عبارتند از: ۱- مهجور ماندن و فراموش شدن زبان گذشتگان که موجب قطع رابطه با سنت و فرهنگ است. ۲- مختل شدن ارتباط میان مردم از نظر زبانی، یعنی تفهیم و تفهیمی که خود پایه تفاهم اجتماعی است.

۳- انواع تغییرات معنایی

اگرچه در تمام زبان‌ها معنای کلمات پیوسته تغییر می‌کنند، بندرت معنای یک کلمه ناگهان به یک معنای کاملاً نامرتب تبدیل می‌شود. بروز تغییرات معمولاً تدریجی است و در یکی از طبقات زیر قابل معرفی است:

۳-۱- توسیع معنایی

منظور از توسیع^۱ یا گسترش حوزه معنایی، آن است که تعداد مواردی که یک واژه بر آنها دلالت دارد، افزایش پیدا کرده باشد. به عبارت دیگر، یک واژه حوزه معنایی خود را گسترش می‌دهد (آرلاتو، ۱۳۷۳: ۲۳۷). بطور مثال واژه *بلوز* را که از زبان فرانسه وارد زبان فارسی شده است، در نظر بگیرید. این واژه در زبان فرانسه به معنای بلوز زنانه بکار می‌رود. در صورتی که در زبان فارسی توسیع معنایی یافته و به انواع بلوز چه زنانه و چه مردانه اطلاق می‌شود. یا واژه *یخچال* که به حوزه‌های معنایی لوازم خانگی برقی وارد شده، از همین فرایند معنایی تبعیت می‌کند.

۳-۲- تخصیص معنایی

اگر کلمه‌ای در یک دوره زمانی مفهومی عام و گسترده داشته باشد و بر اثر تحول معنایی این مفهوم وسیع و عام که معانی چندی را در بر می‌گرفت، محدود و منحصر به مفهومی خاص بشود، می‌گوئیم *تخصیص معنایی*^۲ صورت گرفته است (نجفی، ۱۳۷۶: ۱۹۹). بطور مثال واژه *آپارات* از زبان روسی وارد زبان فارسی شده است. این واژه در روسی به معنی *دستگاه، ماشین و ابزار* می‌باشد. در صورتی که در زبان فارسی تخصیص معنایی یافته و به معنی *دستگاه نمایش فیلم و اسلاید* و همچنین *دستگاه تعمیر و اصلاح لاستیک اتومبیل* به کار می‌رود یا واژه *مرغ* به عنوان یکی از

^۱ - widening

^۲ - narrowing

واحد‌های حوزه معنایی گذشته جانوران، در معنی پرنده به کار می‌رفته است و در حوزه معنایی کنونی جانوران تنها در معنی جفت خروس کاربرد دارد (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۹۵).

۳-۳ - استعاره

استعاره^۱ واژه‌ای است که در معنای غیرواقعی خود به کار می‌رود. به عنوان مثال: تلخ نوعی طعم است. ولی گاهی اوقات در بافتی مشخص معنی جدیدی به خود می‌گیرد. مثلاً در جمله روزگار تلخی است، واژه تلخ در غیرمعنای واقعی خود یعنی بد یا سخت به کار رفته است (پالمر، ۱۳۶۶: ۲۹-۳۱) یا مثلاً واژه *آنگازه* که از زبان فرانسه در زبان فارسی وارد شده است، در زبان فرانسه به معنی سرباز وظیفه می‌باشد در صورتی که در زبان فارسی در معنی مجبور و متعهد به کار می‌رود.

۳-۴ - مجاز

مجاز^۲ بر حسب افزایش مفهوم واحدهای محذوف در واحدی غیر محذوف تحقق می‌یابد. در چنین شرایطی، واحد یا واحدهایی کاهش معنایی می‌یابند و مفهومشان به واحد مجاور انتقال می‌یابد. این کاهش معنایی می‌تواند به حدی برسد که سبب حشو در وقوع برخی از واحدها شود و به حذف آنها بیانجامد. در عوض، واحدی که با افزایش معنایی مواجه شده است در مفهومی به کار می‌رود که مفهوم واحد یا واحدهای محذوف را نیز شامل می‌شود. برای نمونه به واژه *Station-Wagon* در زبان انگلیسی به معنی *ماشین استیشن دقت* کنید. در نتیجه کاهش معنایی جزء واژگانی *Wagon* حذف می‌گردد و معنی آن به *Station* منتقل می‌گردد. سپس در فرآیند قرض‌گیری در زبان فارسی واژه *Station* کل معنی *Station - Wagon* را القا می‌کند (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۵۷).

۳-۵ - رابطه کل با جزء

رابطه کل به جزء^۳ وقتی است که معنای متوالی با هم رابطه کل و جزء داشته باشند. یعنی واژه‌ای نسبت به پدیده دربرگیرنده خود حالت جزئی داشته باشد ولی به تدریج معنای آن تحول یافته و به کل پدیده دلالت می‌کند. مانند واژه *town* که به معنی حصار بود ولی امروزه در مفهوم شهر به کار می‌رود (پالمر، ۱۳۶۶: ۲۹-۳۱).

۳-۶ - اغراق (مبالغه)

^۱ - metaphor

^۲ - metonymy

^۳ - Synecdoche

اغراق^۱ وقتی است که معنای کلمات متوالی با یکدیگر رابطه قوی تر و ضعیف تر دارند. بطور مثال در زبان فرانسه کهن واژه *ex-tonāre* به معنی کسی را برق گرفتن بوده است. ولی در فرانسه معاصر این واژه به معنای کسی را متعجب کردن است (پالمر، ۱۳۶۶: ۲۹-۳۱).

۳-۷- تقویت معنایی

تقویت معنایی^۲ وقتی روی می دهد که معنای کلمات متوالی با هم رابطه ضعیف تر و قوی تر داشته باشند. یعنی معنی واژه به گونه ای تشدید می شود. برای نمونه واژه *ترافیک* که از زبان فرانسه وارد زبان فارسی شده است، در زبان فرانسه به معنای عبور و مرور می باشد در صورتی که در زبان فارسی به معنی عبور و مرور و سختی در عبور و مرور می باشد. این واژه دچار تقویت معنایی شده است یا مثلاً در انگلیسی کهن واژه *kill* به معنای زجر دادن بود ولی در انگلیسی معاصر در مفهوم کشتن به کار می رود (پالمر، ۱۳۶۶: ۲۹-۳۱).

۳-۸- تنزل معنایی

تنزل معنایی^۳ در شرایطی روی می دهد که بار عاطفی واژه دستخوش تنزل شود. مثلاً واژه فرانسوی *لیبرال* در فارسی به معنی *آزادبخواه* به کار نمی رود، بلکه تنزل معنایی یافته است و در مفهوم شخص وابسته به غرب استفاده می شود که بار عاطفی آن منفی است (پالمر، ۱۳۶۶: ۲۹-۳۱).

۳-۹- ترفیع معنایی

ترفیع معنایی^۴ در شرایطی روی می دهد که واژه، بار عاطفی مثبت بگیرد. برای نمونه، واژه *سید* به معنی *آقا* در زبان فارسی بار عاطفی مثبت یافته و با تغییر معنی به فرزند خانواده پیامبر اسلام (ص)، ترفیع معنایی پیدا کرده است (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۹۵).

۳-۱۰- تبدیل معنایی

تبدیل معنایی^۵ زمانی صورت می گیرد که معنی واژه کاملاً عوض شده باشد. مانند واژه *فکل* که در زبان فرانسه به معنی *یقه پیراهن است که به وسیله دگمه به پیراهن وصل می شود* ولی در زبان فارسی به معنی *گره زدن رویان به شکل پایپون* می باشد و این واژه دچار تبدیل معنایی شده است یا

^۱ - hyperbole

^۲ - litotes

^۳ - degeneration

^۴ - elevation

^۵ - اصطلاح تبدیل معنایی نخستین بار در این پژوهش پیشنهاد می شود و به جای اصطلاح تغییر معنایی به کار خواهد رفت. زیرا تغییر معنایی ظاهراً اصطلاح پوششی فراگیری است که تبدیل معنایی می تواند زیر مجموعه ای از آن تلقی گردد.

مثلاً در فارسی واژه شوخ را داریم که در گذشته به معنی چرک بوده است و امروزه کاملاً تغییر معنی داده و به شخص خوش مشرب دلالت می‌کند (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۹۶).

۳-۱۱- تغییر مدلول

تغییر مدلول در اصل عبارت است از ادامه زندگی یک دال در شرایطی که مدلول به شیوه‌های مادی یا معنوی (یعنی برحسب برداشتی که از آن می‌شود) دگرگون می‌گردد بدون آنکه وقفه یا فاصله قابل ملاحظه‌ای در سیر تحولی آن واژه پدید آید. به عنوان مثال واژه *house* در انگلیسی نو مستقیماً از صورت *hūs* در انگلیسی باستان آمده است، اما از آنجا که محل سکونت امروزی مردم با آنچه در انگلستان قرن ششم برای این منظور وجود داشت، شباهت اندکی دارد، می‌توان گفت پدیده‌ای که *hūs* و *house* بر آن دلالت دارد، دچار تغییر شده است (آراتو، ۱۳۷۳: ۲۴۳-۲۴۴).

در پژوهش حاضر نوع دیگری از تغییر معنی معرفی شده است که در سطح یک مدخل واژگانی عمل می‌کند و آن را *انتخاب معنی* می‌نامیم.

۳-۱۲- انتخاب معنی

انتخاب معنی هنگامی روی می‌دهد که واژه دخیل در زبان مبداء چند معنی داشته باشد، در حالی که در زبان مقصد فقط یک یا برخی معانی آن *انتخاب* و وارد شود. به عنوان مثال واژه *انیمیشن* که از زبان فرانسه به زبان فارسی وارد شده است، در زبان فرانسه به معنی *تقاشی متحرک* و همچنین *شور و نشاط* می‌باشد در حالی که در زبان فارسی فقط به معنی *تقاشی متحرک* می‌باشد. لازم به ذکر است که در این پژوهش با اصطلاحاتی از قبیل *انتخاب معنی دوگانه* و *چندگانه* مواجه می‌شویم. *انتخاب معنی دوگانه* و *چندگانه* هنگامی مورد توجه قرار می‌گیرد که از میان انواع معانی مندرج در یک مدخل در زبان مبداء دو یا چند معنی به زبان مقصد راه یافته باشد. به عنوان نمونه واژه *بانداز* در زبان فرانسه به معنی *باندپیچی*، *نوار زخم بندی*، *نوار تایر* و *طوقه* می‌باشد. در صورتی که دو مورد از این معانی یعنی *باندپیچی* و *نوار زخم بندی* وارد زبان فارسی شده‌اند. در این مورد ما از اصطلاح *انتخاب معنی دوگانه* استفاده می‌کنیم. وام واژه *ارگان* نیز نمونه‌ای از *انتخاب معنی چندگانه* می‌باشد. زیرا معانی این واژه در زبان فرانسه *عضو*، *آواز*، *ابزار*، *سازمان* و *نشریه* می‌باشند. در صورتی که چند مورد از معانی بالا از قبیل *عضو*، *سازمان* و *نشریه* به زبان فارسی راه یافته‌اند.

۴- جمع آوری داده‌ها

۴-۱- ابزار پژوهش

وام واژه‌های گردآوری شده در این پژوهش از فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌های مختلف برگزیده شده‌اند. البته از بین وام واژه‌های موجود در این کتاب‌ها تنها وام واژه‌های غیر تخصصی اروپایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در اینجا لازم به ذکر است که در *انتخاب* وام واژه‌های غیرتخصصی، ملاک، واژه‌هایی

است که به گوش سخنگویان فارسی مستقل از صنف و نوع و میزان تحصیلات، آشنا می‌رسد. البته تردیدی نیست که میزان آشنایی با این گروه از واژه‌ها ممکن است متفاوت باشد، یعنی برخی پربسامدتر و برخی کم‌بسامدتر به نظر برسند.

۴-۲- روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است، از سوی دیگر این پژوهش با برجسب کتابخانه‌ای و استقرایی-قیاسی معرفی می‌گردد.

۵- تحلیل داده‌ها

در تحقیق حاضر ۴۰۳ واژه قرضی غیرتخصصی اروپایی از زبان‌های انگلیسی، ایتالیایی، روسی و فرانسوی گردآوری شده است. نحوه تحلیل این وام واژه‌ها بدین صورت است که ابتدا معنی هر وام واژه در زبان مبدا (قرض دهنده) مورد بررسی قرار گرفته است و سپس معنی آن وام واژه در زبان مقصد (زبان فارسی) نیز مورد بررسی قرار گرفته است و در صورتی که معنای این وام واژه‌ها در زبان فارسی تغییر یافته باشند، برگزیده شده‌اند و پس از آن این وام واژه‌ها به لحاظ نوع تغییر معنایی در زبان فارسی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. در زیر نمونه‌هایی از انواع تغییرات معنایی وام واژه‌ها آورده شده است :

مثال: **مدیست**

معنی فرانسه : سازنده و فروشنده کلاه زنانه

معنی فارسی : سازنده و طراح مد

نوع تغییر معنایی : **توسیع معنایی**

مثال: **تساپو**

معنی فرانسه : ۱- کلاه

۲- درپوش

۳- [مقاله]سرفصل یا پیش درآمد

معنی فارسی : نوع خاصی از کلاه

نوع تغییر معنایی : **تخصیص معنایی**

نمونه : **آتو**

معنی فرانسه : برنده ، ورق برنده بازی

معنی فارسی : ۱- ورق برنده بازی

۲- دستاویز

نوع تغییر معنایی : **استعاره**

نمونه : **مش**

معنی فرانسه : ۱- [مو]دسته، تکه‌هایی از مو

۲- فتیله

۳- سر مته

معنی فارسی : تغییر دادن رنگ قسمتی از موی سر

نوع تغییر معنایی : مجاز

نمونه : **اولیویه**

معنی فرانسه : درخت زیتون

معنی فارسی : سالاد اولیویه

نوع تغییر معنایی : رابطه کل با جزء

نمونه : **ترور**

معنی فرانسه : وحشت، ترس

معنی فارسی : کشتن ، ترور

نوع تغییر معنایی : تقویت معنایی

نمونه : **شوت**

معنی انگلیسی : ۱- تیر اندازی کردن، شلیک کردن

۲- شکار کردن

۳- [گیاه] جوانه کردن

۴- فیلم برداری کردن

۵- [فوتبال، هاکی و غیره] شوت کردن

معنی فارسی : ۱- پرتاب توپ با پا به شدت در بازی فوتبال، شوت کردن

۲- بی عقل

نوع تغییر معنایی : تنزل معنایی

نمونه : **ژیگول**

معنی فرانسه : فاسق پولی [= مرد جوانی که با زن مسن پولدار رابطه دارد].

معنی فارسی: آن که بیش از حد از مد پیروی می‌کند به گونه‌ای که موجب جلب توجه دیگران می‌شود.

نوع تغییر معنایی : ترفیع معنایی

نمونه : **فانفار**

معنی فرانسه : ۱- آهنگ نظامی کوتاه و ضرب‌دار

۲- مجموع موسیقی که فقط آلات برنجی را به کار می‌برند.

۳- تحسین و تمجید بسیار؛ تملق؛ چاپلوسی

معنی فارسی: مجموعه تفریحی، ورزشی نوجوانان است که در فضای باز تشکیل می‌شود.

نوع تغییر معنایی: تبدیل معنایی

نمونه: **دوش**

معنی فرانسه: ۱- دوش حمام

۲- سرزنش

۳- سرخوردگی

معنی فارسی: دوش حمام

نوع تغییر معنایی: انتخاب معنی

نمونه: **ترمینال**

معنی انگلیسی: ۱- پایانه

۲- کامپیوتر [ترمینال

۳- سر، قطب

۴- [بیماری] لاعلاج

معنی فارسی: ۱- پایانه

۲- کامپیوتر [ترمینال

نوع تغییر معنایی: انتخاب معنی (دوگانه)

در پژوهش حاضر از ۴۰۳ وام واژه غیرتخصصی اروپایی تعداد واژه‌های قرضی زبان انگلیسی ۱۱۴ مورد، زبان ایتالیایی ۱ مورد، زبان روسی ۱۶ مورد و زبان فرانسوی ۲۷۲ مورد می‌باشد. در این پژوهش مشاهده شد که از میان واژگان قرضی زبان‌های اروپایی، واژگان قرضی زبان فرانسه با ۶۷/۴۹ درصد از بالاترین بسامد وقوع برخوردارند و پس از آن واژگان قرضی زبان انگلیسی با ۲۸/۲۹ درصد، واژگان قرضی زبان روسی با ۳/۹۷ درصد و واژگان قرضی زبان ایتالیایی با ۰/۲۵ درصد به ترتیب دارای بیشترین بسامد وقوع می‌باشند. (جدول شماره ۱)

جدول شماره ۱- بسامد وقوع واژه‌های قرضی اروپایی

درصد	تعداد	
۶۷,۴۹	۲۷۲	واژه‌های فرانسوی
۲۸,۲۹	۱۱۴	واژه‌های انگلیسی
۳,۹۷	۱۶	واژه‌های روسی
۰,۲۵	۱	واژه‌های ایتالیایی
۱۰۰,۰۰	۴۰۳	جمع

در مورد برخی از وام واژه‌ها شاهد وقوع همزمان دو نوع تغییر معنایی هستیم. یعنی در مورد یک وام واژه دو نوع تغییر معنایی اعمال شده است. در چنین مواردی از اصطلاح تغییر معنایی تلفیقی استفاده شده است. مانند مثال زیر:

نمونه: آنتن

معنی فرانسه: ۱- آنتن

۲- شاخک حشرات

معنی فارسی: ۱- آنتن

۲- جاسوس

نوع تغییر معنایی: انتخاب معنی و استعاره

طی پژوهش حاضر مشاهده شد که از میان ۴۰۳ وام واژه غیر تخصصی اروپایی در زبان فارسی بسامد وقوع واژه‌هایی با یک نوع تغییر معنایی در کل پژوهش ۹۱ درصد می باشد و واژه‌هایی با دو نوع تغییر معنایی (واژه‌های تلفیقی) ۹ درصد می باشد (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲- کل واژه‌ها بسته به داشتن یک یا دو تغییر معنایی

درصد	تعداد	
۹۰٫۵۷	۳۶۵	واژه‌های با یک تغییر معنایی
۹٫۴۳	۳۸	واژه‌های تلفیقی
۱۰۰٫۰۰	۴۰۳	جمع

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در این پژوهش، در ارتباط با تغییرات معنایی وام واژه‌های غیر تخصصی اروپایی در زبان فارسی، انتخاب معنی با ۸۰/۸۹ درصد از بیشترین بسامد وقوع و تغییر مدلول و اغراق (مبالغه) با صفر درصد از کمترین بسامد وقوع برخوردار است (جدول شماره ۳). همچنین بسامد وقوع انواع دیگر تغییرات معنایی نیز در جدول مذکور آورده شده است.

جدول شماره ۳ - درصد فراوانی رخ دادن هر نوع تغییر معنایی در کل واژه‌ها

تغییر معنایی	تعداد	درصد
انتخاب	۳۲۶	۸۰٫۸۹
تخصیص	۵۱	۱۲٫۶۶
مجاز	۱۹	۴٫۷۱
استعاره	۱۵	۳٫۷۲
تبدیل	۱۲	۲٫۹۸
توسیع	۱۰	۲٫۴۸
تقویت	۳	۰٫۷۴
تنزل	۳	۰٫۷۴
ترفیح	۱	۰٫۲۵
رابطه جزء با کل	۱	۰٫۲۵
تغییر مدلول	۰	۰٫۰۰
اغراق (مبالغه)	۰	۰٫۰۰
جمع	۴۴۱	۱۰۹٫۴۳

در این پژوهش همچنین چگونگی ورود وام واژه‌های غیرتخصصی اروپایی در فرآیند‌های واژه‌سازی در زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو می‌توان مشاهده کرد که برخی واژه‌های قرضی در فرآیندهای واژه‌سازی زبان فارسی وارد می‌شوند و در ساختارهای دستوری مختلفی از قبیل ساختار فعل، اسم و گروه یا ترکیب به کار می‌روند. در این پژوهش مشاهده شد که بسامد ساختار دستوری فعل ۳۵ درصد گروه و ترکیب ۳۸ درصد و اسم ۲۷ درصد می‌باشد. نتیجه این بررسی در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

جدول شماره ۴- واژه‌های قرضی وارد شده در ساختارهای دستوری

	فعل	اسم	گروه و ترکیب	جمع
تعداد	۹۷	۷۶	۱۰۷	۲۸۰
درصد	۳۴٫۶۴	۲۷٫۱۴	۳۸٫۲۱	۱۰۰٫۰۰

همچنین با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، برخی از واژه‌های قرصی اروپایی، پس از ورود به زبان فارسی در همنشینی با تکواژهای دستوری زبان فارسی یا تکواژهای دستوری زبان‌های دیگر که به زبان فارسی وارد شده‌اند، واژه‌های جدید را ایجاد می‌نمایند. مانند: واژه پستیچی که از همنشینی پست انگلیسی و چی تکواژ دستوری ترکی، حاصل شده است.

۶- نتیجه گیری

در این پژوهش سعی شده است تا به مسئله تغییرات معنایی وام واژه‌های غیرتخصصی اروپایی در زبان فارسی نو پرداخته شود. همانطور که مشاهده شد برخی وام واژه‌ها پس از ورود به زبان فارسی دچار تحول معنایی می‌گردند. پژوهش حاضر مؤید این مطلب است که تغییرات معنایی وام واژه‌های غیرتخصصی اروپایی در زبان فارسی را می‌توان در طبقات مشخصی معرفی کرد که عبارتند از: انتخاب، تخصیص، مجاز، استعاره، توسیع، تبدیل، تغییر مدلول، تقویت، تنزل، ترفیع، اغراق (مبالغه)، رابطه کل با جزء. تحلیل داده‌های این پژوهش، مؤید این اندیشه است که ظاهراً طبقه بندی انواع تغییرات تاریخی معنایی نیاز به بازنگری دارد و شاید بتوان انواعی از تغییرات معنایی را به این مجموعه اضافه کرد یا از آن کاست. به همین دلیل نگارنده اذعان می‌دارد که در مواردی شناسایی نوع تغییر معنایی به دشواری صورت گرفته است و شاید پژوهش‌های آتی بتواند راهکارهای بهتری برای معرفی نوع تغییر معنایی به وجود آمده ارائه دهد. همچنین نتایج این بررسی نشان داد که برخی وام واژه‌های غیرتخصصی اروپایی پس از ورود به زبان فارسی در طبقات مشخصی از فرآیند‌های واژه سازی وارد شده‌اند.

منابع

- آریلاتو، آ (۱۳۷۳) *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*، ترجمه یحیی مدرس، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پالمر، ف (۱۳۶۶) *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*، ترجمه کورش صفوی، تهران، نشر مرکز.
- شقاقی، و (۱۳۸۶) *مبانی صرف*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- صفوی، ک (۱۳۷۹) *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران، انتشارات سوره مهر
- طباطبایی، ع (۱۳۷۶) *فعل بسیط فارسی و واژه سازی*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- عزیزمحمدی، ف (۱۳۸۵) «بررسی برخی از فرآیندهای رایج قرص گیری در زبان فارسی»، فصلنامه اطلاع رسانی، دوره ۱۸ شماره ۳ و ۴. بهار و تابستان.

-
-
- مدرسی، ی (۱۳۶۸) *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ نقش جهان.
- نجفی، ا (۱۳۷۶) *مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی*، تهران، انتشارات نیلوفر.

- Crystal, D. (1987) *The Cambridge Encyclopedia of Language* , New York: Cambridge University Press.
- Falk, J. S. (1978) *Linguistics and Language . A Survey of Basic Concepts and Implications*, New York: John Wiley and Sons, Inc.
- Haugen , E. (1950)"The Analysis of Linguistic Borrowing".The Ecology of Language ,Essays by E. Haugen , ed . A.Drill. Stanford: Stanford University Press.
- Sapir, E.(1939) *Language , an Introduction to the Study of Speech* , New York: Harcourt Brace.

سازگاری